

از هر گلیم

فقط یکی در جهان وجود دارد

دیباچه

گلیم یا پلاس، پوشش و زیراندازی است که از پشم حیواناتی مانند بز و گوسفند یا ابریشم بافته می‌شود. گلیم به شکل سنتی به عنوان زیرانداز یا پوششی برای دیوارها یا به عنوان روانداز برای حیوانات باربر مورد استفاده قرار می‌گیرد. این زیرانداز که مردم ایران و افغانستان آن را با نام "گلیم" می‌شناسند، در ترکیه "کیلیم" خوانده می‌شود. یکی از ویژگی‌های گلیم سبکی است که آن را به زیرانداز مناسبی برای عشایر بدل می‌کند. از سوی دیگر مواد اولیه ساخت آن یعنی پشم حیوانات از تولیدات عشایر است و مواد لازم برای رنگ کردن پشم از گیاهان و مواد موجود در طبیعت به دست می‌آید. گلیم بر خلاف قالی از روی نقشه بافته نمی‌شود بلکه انتخاب نقش و رنگ‌های به کار رفته در آن توسط بافنده و بر اساس حال و احساس او در هنگام بافت انتخاب می‌شوند. به این صورت، از هر گلیم تنها یکی از جهان وجود دارد.

آقای اوزیر اوزیورت (Üzeir Özyurt) نویسنده کتابی به نام "زبان گلیم آناتولی" است. در این کتاب معنی و مفهوم نقش‌های گلیم و ریشه‌های اسطوره‌ای آن توضیح داده شده است. کتاب در سال ۱۳۹۵ به فارسی ترجمه شد. این مصاحبه توسط مترجم کتاب با نویسنده انجام شده است.

پرسش نخست: جالب‌ترین ویژگی گلیم برای شما چیست؟

اگر زبان گلیم را درک کنیم، با مشاهده هر گلیم می‌توانیم به فرهنگ، اندیشه، احساس و قومیت بافنده آن پی ببریم. هر گلیم به زبان خودش با ما حرف می‌زند و ارتباط برقرار می‌کند، داستان زندگی و نحوه بافته شدن خود را به ما نشان می‌دهد. این جذاب‌ترین ویژگی گلیم برای من است. باید بدانیم که نمادها و سمبل‌های به کار رفته در گلیم، قدمتی به اندازه بشریت دارند.

گلیم چگونه گلیم شد؟

گلیم از اول به صورت زیرانداز استفاده نمی‌شد بلکه هدف از بافت آن درست کردن چادر بود. در واقع گلیم در ابتدا، سرپناه انسان بود و به دلیل سبک بودن، جابه‌جا کردن آن از محلی به محل دیگر ساده بود. برای بافت گلیم از پشم حیواناتی مانند بز و گوسفند استفاده می‌شود که در کنار انسان زندگی می‌کنند. دوام و پایداری گلیم در برابر عوامل طبیعی بسیار زیاد است. پس از مدتی به هنگام بافت چادر و گلیم، سمبل‌هایی به نقش آن اضافه شد. این سمبل‌ها به منظور حفاظت در برابر تهدیدهای طبیعت روی گلیم‌ها نقش بستند و به تدریج برای پوشاندن زمین و کف چادرها و فراهم کردن بستری برای سکونت مورد استفاده قرار گرفت.

نمادهای موجود در متن گلیم الهامی از طبیعت هستند و درک انسان را از محیط پیرامون خود نشان می‌دهد. نخستین نمادی که روی گلیم‌ها تصویر شد، نماد مثلث بود. سپس نمادهایی مانند درخت، پرندگان، ماه و خورشید که نیروی سرد و گرم را نشان می‌دهند بر روی گلیم‌ها نقش بست. این نمادها بازتاب روح و احساس بافندگان گلیم‌ها هستند و حس شادی یا ناخرسندی آنها را از وقایع پیرامون خود به نمایش می‌گذارند. گلیم، فقط زیرانداز نیست بلکه صفحه‌ای از کتاب قصه زندگی انسان است.

به عنوان یک تاجر، وقتی یک تخته گلیم را به کسی می‌فروشید، حس می‌کنید که شخص خریدار بر چه اساس گلیم را انتخاب می‌کند؟

یک چیز را مطمئن باشید: این گلیم است که شما را انتخاب می‌کند. در واقع شخص خریدار با نگاه کردن به گلیم، بازتابی از درون خود را در گلیمی که انتخاب کرده مشاهده می‌کند. این بازتاب، در قالب رنگ‌ها و نمادهای به کار رفته در گلیم تجلی پیدا می‌کند و شخص به صورت ناخودآگاه چیزی را انتخاب می‌کند که با درون او ارتباط دارد. به عنوان مثال وقتی شخص گلیمی را انتخاب می‌کند که سمبل الی‌بیلینده به فراوانی در متن آن وجود دارد، نشان از علاقه او به نمادهای مادرانه و زنانه است. برخی افراد گلیم‌هایی را می‌پسندند که نماد محراب در آنها غالب است. محراب از دور به مانند خانه و سرپناه به نظر می‌رسد. برای این افراد حس امنیت بسیار مهم است.



چپ: محراب



راست: الی‌بیلینده

سمبل‌های موجود در گلیم‌ها در طول زمان چقدر تغییر کرده‌اند؟

سمبل‌ها دچار تغییر نشده‌اند. همان هستند که از روز اول بودند، ضمن اینکه میان همه مردم جهان یک شکل دارند. این ما هستیم که تغییر کردیم. سمبل‌ها خود را با فرهنگ‌های مختلف هماهنگ می‌کنند تا معنایی را به انسان نشان بدهند که با خواست او همخوانی دارد اما شکل اولیه و بنیادی نمادها تغییری نکرده است.

جایگاه گلیم در زندگی روستایی و عشایری چیست؟

گلیم در فرهنگ عشایر و روستائیان گاهی به مانند ناموس خانواده است. گلیم ممکن است از اجزای جهیزیه مادر خانواده باشد و در برخی مواقع چیزی نیست که عشایر آن را به هرکسی به خصوص غریبه‌ها نشان بدهند برای همین بسیاری از گلیم‌ها نه فروشی‌اند و حتی قابل مشاهده برای غریبه‌ها. در بسیاری موارد، برای من فقط مشاهده یک گلیم یا دیدن نقش آن بسیار جذاب و هیجان‌انگیز بود. همان طوری که گفتم از هر گلیم فقط یکی در جهان وجود دارد و هر چیزی که بی‌نظیر باشد، ارزش یک بار دیدن را دارد.

ضمن اینکه گلیم جزئی از دارایی خانواده است و مانند یک پس انداز به حساب می‌آید. در برخی خانه‌های روستایی ده‌ها و گاهی صدها گلیم وجود دارد که مانند طلا پشتوانه مالی خانواده به حساب می‌آید.

گاهی عشایر از من می‌خواستند که گلیم آنها را بردارم و به جای پول، وسیله‌ای که مورد نیازشان است به آنها بدهم چون می‌گفتند که براساس نوع زندگی‌شان نیازی به پول نقد ندارند. به خاطر دارم سال‌هایی که تلفن همراه به تازگی وارد زندگی مردم شده بود، در ازای بهای گلیم، بارها برای عشایر گوشی تلفن خریدم که می‌تواند به آنها کمک کند تا در محیط‌های دور از دسترس با بستگان خود ارتباط داشته باشند.

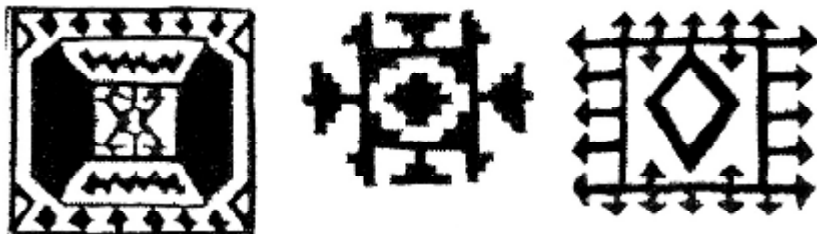
یک داستان یا خاطره در مورد گلیم برای ما بگویید

روزی در یک روستا با پیرزنی برخورد کردم که ۹۰ سال سن داشت. او گلیمی بسیار قدیمی داشت که بیش از صد سال از عمر آن گذشته بود. او این گلیم از مادر خود به ارث برده بود و قرار بود جزئی از جهیزیه دخترش باشد. اما دختر او تنها چند روز پیش از مراسم عقد از دنیا رفت. پیرزن، سال‌ها این گلیم را در کوه و دشت حمل کرده بود و هر بار که به آن نگاه می‌کرد، یاد و خاطره دخترش برای او زنده می‌شد. از من خواست تا این گلیم را از او بخرم چون فکر می‌کرد که مدت زیادی تا پایان عمرش باقی نمانده و نمی‌خواست این گلیم به دست هر کسی بیفتد. من این گلیم را به چند برابر قیمت واقعی آن خریدم چرا که یک درام دردناک در پشت زندگی این گلیم قرار دارد و به نظر من نمی‌شود برای آن قیمتی مشخص کرد. من هرگز این گلیم را نفروختم چون به قصد تجارت آن را نخریدم بلکه آنچه برایم مهم بود ارزش معنوی آن است.

پس به نظر شما هر گلیم یک کتاب داستان است؟

بله همین طور است. گاهی یک گلیم از یک نسل به نسل بعدی منتقل می‌شود. ممکن است شخص بافنده سال‌ها قبل از دنیا رفته باشد ولی گلیم و حاصل دست او در میان خانواده‌اش باقی مانده است. مشکل اینجا است که ما به گلیم فقط به عنوان یک جسم نگاه می‌کنیم. ممکن است عمر پشم مورد استفاده برای بافت یک گلیم بیش از پنجاه تا صدسال باشد. به عنوان مثال مادر یا مادر بزرگ خانواده مقداری پشم را برای نوه‌اش نگه داشته که برای جهیزیه خود از آن گلیمی بیافد. بنابراین ممکن است قدمت یک گلیم یک صد سال ولی قدمت مواد اولیه آن صد و پنجاه سال یا حتی بیشتر باشد.

همه ما دوست داریم که یاد و خاطره‌مان جاودانه بماند و گلیم یکی از ابزارهایی است که این امکان را برای انسان فراهم می‌کند. برخی نقش‌های گلیم مانند ساندیک که نماد صندوقچه است، جایی برای نگه‌داری آرزوها و اعلام خواسته‌هاست. دختران گلیم باف برای بافت این نماد از موهای سر خود استفاده می‌کنند تا آرزو و خواسته آنها برای ابد در گلیم آنها نقش ببندد.



چند طرح ساندیک

امروزه وضعیت بافت گلیم چگونه است؟

در حال حاضر به جز بافندگانی که در میان روستاها و عشایر زندگی می‌کنند و به صورت سنتی به بافت گلیم مشغولند، کارگاه‌هایی برای تولید گلیم وجود دارد. در این کارگاه‌ها از دختران گلیم‌بافت درخواست می‌شود که بر اساس یک نقشه اولیه و خواست خریدار گلیم ببافند. این درست بر خلاف شکل طبیعی بافت گلیم است چرا که دیگر اثری از طبیعت، خواسته بافنده و روح و احساس و خلاقیت او در گلیم مشاهده نمی‌شود. در شکل سنتی، آنچه الهام بخش بافنده است، وقایع پیرامون او و حس و حال طبیعت، آسمان، ابرها، درختان و حیوانات هستند.